

هو العليم

شرح احوال علامه طباطبائی به قلم علامه

طهرانی رضوان الله علیهما

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

مطلع انوار، جلد ۲

مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله علیه از نوادر و مفاخر اسلام در طول تاریخ بوده است که حَقاً میتوان او را به عنوان سمبل انسان کامل و ظهور تشیع علوی در کالبد انسانی متعال به عرصه علم و معرفت معرفی نمود، شخصیتی که وجود علمی و حقیقت روحانی خود را به دو جنبه طهارت باطن و احاطه بر علوم و معارف ظاهریه و باطنیه به مرتبه کمال رسانده بود، علامه طهرانی که مدت هفت سال روزی چند ساعت از وقت خود را به اکتساب معارف الهیه از این شخصیت بی بدیل گذرانده بود و به عنوان شاگرد خاص و ممتاز ایشان مورد توجه استاد خویش قرار گرفته بود در مقام تعریف از ایشان می فرمود: علامه طباطبایی فردی است که ملائکه هیچگاه بدون وضو و طهارت اسم ایشان را بر زبان نمی آورند و اگر ما ایشان را درک نمی کردیم خسرالدنیا و الآخرة بودیم.

علامه طهرانی می فرمودند: در روز پنجشنبه ۲۹/ج ۱۴۰۳/۱ جناب محترم ثقة الاسلام آقای حاج سید محمد علی میلانی دام توفیقه درباره مرحوم استاد ما علامه طباطبائی رضوان الله علیه گفتند: رئیس انجمن فرهنگی مصر: شیخ محمد فحّام و معاون او شیخ شرباصی در مشهد مقدّس نزد پدرم آمدند؛ و از جمله سخنانشان این بود که ما تفسیر المیزان را از بهترین تفاسیر یافته‌ایم و تا جلد هجدهم آن را مطالعه کرده‌ایم و دو جلد دیگر آنرا نیافته‌ایم؛ و خیلی اشتیاق داشتند که از نزدیک علامه طباطبائی را نیز ببینند؛ اما علامه طباطبائی در آن وقت که در شهر مقدّس مشهد بودند؛ در خارج شهر رفته بودند و لذا ملاقات حاصل نشد؛ ولیکن مرحوم پدرم جلد نوزدهم و بیستم را تهیه و برای آنان به مصر فرستادند. این بود حکایت جناب آقای میلانی زاده؛ و اما جناب مستطاب حجّة الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی زید توفیقه همین مطلب را در یکسال و نیم قبل بدین طریق بیان کردند: که چون بین ایران و مصر روابط دوستانه برقرار شد؛ و بنا شد؛ روابط فرهنگی بین دو کشور برقرار شود؛ از طرف مصر شیخ محمد فحّام و شرباصی به ایران آمدند؛ و از مجامع فرهنگی بازدید و با علماء ملاقات کردند.

من که از شاگردان و معتمدان مرحوم میلانی بودم، نزد من فرستادند و پیام دادند که: اوّل وقت فردا میل دارم شما را ملاقات کنم. من فردا اول وقت به حضورشان رفتم؛ فرمودند: دو نفر از شخصیت‌های مصر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و مصر بناست نزد ما بیایند؛ شما هم در آن جلسه حضور داشته باشید و از طرفی باید چیزی به آنها هدیه کنیم؛ شما چه چیز را مصلحت می‌دانید؟! من گفتم: دوره تفسیر المیزان؛ هم علمی است و هم کتاب شریف و معتبر و مناسب با این ملاقات را دارد. ایشان فرمودند: به نظر من هم همین رسیده بود؛ و لذا یکدوره از المیزان تهیه کردند

که در وقت ملاقات به آنها هدیه کنند؛ و از طرفی به نزد حضرت علامه طباطبائی پیام دادند که ایشان هم در آن مجلس حضور بهم رسانند ولیکن به جهت ابراز کسالت، علامه از حضور در مجلس خودداری کردند.

و درباره ادبیت عربی تفسیرالمیزان، جناب آقای میلانی زاده فرمودند: از نقطه نظر قیاس ادبیت المیزان و الغدیر در زمان حیات هر دو مؤلف بزرگوار آنها؛ از مرحوم حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء که استاد ادبیت و عربیت و فرید عصر در زمان خود بود، چون از الغدیر سؤال شد، در جواب فرمود: معلوم است که آنرا ایرانی نوشته است؛ و چون از داماد مرحوم آقا سید شرف الدین عاملی: آقای شیخ عبدالله سبیتی سؤال شد؛ در جواب گفت: معلوم است که آن را غیر عرب نوشته است. ولیکن از المیزان چنین نقل هائی نشده است؛ علاوه بر آن که از آقا سید محمد حسین فضل الله که در غازیة لبنان ساکن و از مشاهیر ادبیت عرب هستند، نقل شده است که: تفسیر المیزان از نقطه نظر ادبیت جزء کتابهای معتبر ادبی در نزد جوانان و دانشگاهیان لبنان است.

و آقای میلانی زاده فرمودند: با آنکه مرحوم امینی نسخه خود را در نجف اشرف در نزد مرحوم آقا شیخ محمد علی اردوبادی می برده و می خوانده است، و آن مرحوم که در ادبیت عرب ممتاز بوده است، تصحیح می نموده است؛ و عروة الوثقی مرحوم یزدی را که دو نفر عرب: آقا شیخ احمد کاشف الغطاء و آقا سید احمد خوانساری تصحیح کرده اند؛ و کفایه مرحوم آخوند خراسانی را نیز تصحیح کرده اند بدین گونه که مرحوم سید محمد کاظم یزدی که از کوفه به نجف می آمده است، در عربانه نوشته ای از عروه را برای شیخ احمد کاشف الغطاء و حاج سید احمد خوانساری می خوانده است و این دو نفر آن را تصحیح می نموده اند. و اما مرحوم آخوند خراسانی کفایة الاصول را بدین ترتیب نوشته است که: مرحوم شیخ محمد صالح علامه سمنانی که دوره اول درس مرحوم آخوند می رفته است؛ مطالب را برای خود می نوشته است، سپس آن را مرحوم آخوند از وی می گرفته است؛ و بالتبجیه «کفایة الاصول» تنظیم و تحریر یافته است. ولیکن تفسیرالمیزان حتی تصحیح مطبوعه ای آن هم توسط خود علامه انجام می گرفت رحمة الله علیه؛ و در آن وقتی که علامه مشغول نوشتن آن بود، و فقط گاهگاهی چاهی کم رنگ می خورد؛ و یا یک نصفه سیگار می کشید؛ و سیگار ایشان اشنو بود و یک پاکت آن، هفت قران (ریال) ارزش داشت؛ چه بسا ایشان پول سیگار را نداشت.

روزی ما در معیت پدرم و عموهایم یک درشکه از تبریز برای دهی که علامه در آن سکونت داشت (شاد آباد و یا غیر آن) گرفته و سوار شده و می رفتیم و قبلاً عموهایم با پدرم سخن از قبله به میان

آورده بودند و هنوز قبله‌نمای رزم‌آرا به میان نیامده بود. در بین راه که درشکه می‌رفت، عموهایم به پدرم گفتند: این شخص مگر چه شخصیتی است که شما با درشکه از تبریز به سوی او به آن ده می‌روید؟! پدرم گفت: همان کسی است که در حل این مسائل (قبله که قبلاً مورد سخن بوده است) استاد و فرید است.

و در غالب از موارد و اوقات مرحوم پدرم می‌گفت: علامه طباطبائی علومی را دارد که ما نداریم؛ و منظور پدرم از آن علوم، علوم باطنی و غیبی بوده است.

یک روز من با حضرت علامه طباطبائی و دو نفر دامادشان آقای مناقبی و آقای قدوسی با ماشین سواری از سبزوار به مشهد می‌آمدیم و بنا شد مشاعره کنیم. ما سه نفر در یک طرف و علامه به تنهایی در طرف دیگر بود، ما سه نفر که مجموعاً نتوانستیم از ایشان برنده شویم، بلکه علامه بود که ما را محکوم می‌کرد؛ نه با یک بیت شعر بلکه با چند بیت که مرتباً به عنوان شاهد می‌آورد و حَقّاً ما از احاطه ایشان به شعر و ادبیّت در شگفت افتادیم.

آقا سید محمدعلی میلانی می‌گفتند: علامه در تشخیص خطّ‌های قدیمی و اساتید فنّ خطّ، استاد بودند و خطّ‌های معروفین را به طرز بی‌نظیری می‌شناختند، بطوری که در بعضی از اوقات اساتید خط‌شناسی برای شناختن بعضی از خطوط به ایشان مراجعه می‌کردند و ایشان بدون درنگ می‌گفتند: این خطّ مثلاً از فلان است.

یکی از اساتید اهل فنّ خطّ برای ما می‌گفت: روزی ما مقدار زیادی از خطوط را که نمی‌شناختیم، به محضر ایشان بردیم و ایشان یک‌یک را می‌گفتند که از کیست؛ و سریعاً کنار می‌گذارند. مثلاً می‌گفتند: این از مرحوم درویش است، این خطّ میرعماد است، این خطّ میرزا غلامرضا کلهر است، این خطّ احمد نیریزی است؛ و همچنین تا آخر مجموعه را یک‌یک سریعاً گفتند و اوراق را روی هم می‌گذارند.

پس از انجام این مهمّ ما پرسیدیم: بسیار خوب! شما این‌طور مبین و روشن ساختید. ولی حالا بفرمائید: به چه دلیل این‌طور می‌گوئید؟ و برای ما چه حجّتی باشد؟!

ایشان یک‌یک از اوراق را برداشتند و شیوه یک‌یک از اساتید خطّ را بیان می‌کردند و سپس می‌فرمودند: این قطعه دارای این شیوه و این خصوصیات است که این نیز برای ما بسیار مُعْجَب بود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> مطلع انوار، ج ۲، ص ۱۸۱.